



### خلاصه جلسه قبل

بحث ما در حکم تکلیفی اهدای اسپرم بود یعنی اسپرم یک مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه قرار داده شود بحث این بود که آیا این کار تکلیفاً جایز است یا مشروع نمی باشد؟ برای ممنوعیت تکلیفی این کار وجوهی مطرح می شود که اولین وجه آن استدلال به آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» بود. این آیه دلالت بر ممنوعیت این کار می کند ولو فرض شود که این بچه انتساب به صاحب اسپرم داشته باشد. این آیه امر کرده است به تحفظ زن بر فرج، و اطلاق تحفظ بر فرج اقتضا می کند تحفظ بر هر آنچه مناسب فرج است و از جمله امور مناسب فرج، استیلاد و تلقیح رحم به اسپرم مرد اجنبی است.

### مسئله دوم: قرار دادن نطفه تلقیح شده از تخمک زن و مرد اجنبی در رحم خود زن

دلیل اول بر منع از قرار دادن نطفه اجنبی در رحم زن اجنبیه آیه ۳۱ سوره مبارکه نور بود که اشکالاتی نسبت به آن مطرح می شود.

### اشکالات دلیل اول

نسبت به دلیل اول (بر مشروع نبودن قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه) اشکالاتی مطرح می شود که در جلسه قبل اشکال اول آن بیان شد.

### اشکال اول

اشکال اول این بود که این آیه به حسب برخی روایات که عمدتاً روایت ابی بصیر بود (که علی قاعده و علی المشهور سند آن اشکالی ندارد ولو در اعتبار سندی این روایت تشکیک شده است به این جهت که در تفسیر قمی است) این آیه بر خلاف سایر آیات حفظ فرج که ناظر به زنا هستند، ناظر به امر به حفظ فرج از دید و نظر دیگران است لذا این آیه دلالتی ندارد که زن حفظ فرج کند از غیر ناحیه دید و نظر دیگران. معنای این آیه این است که زنان مأمور به ستر عورت هستند هم از مردان و هم از زنان.

ممکن است این اشکال تأیید شود به اینکه مقتضای اقتران حفظ فرج با غَضِّ بصر، همین است که مراد از حفظ فرج همان غَضِّ بصر است و ما این را به عنوان یک اشکال جدا مطرح نمی کنیم بلکه به عنوان تکمیل اشکال اول بیان می کنیم. آیه در ابتدا می فرماید «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» یعنی زنان نگاه نکنند، در برخی روایت آمده است که به فرج مماثل نگاه نکنند. کما اینکه آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» به همین معنا تفسیر شده است که مرد به فرج مماثل خودش نگاه نکند. و همچنین زن و مرد باید حفظ فرج کنند از نظر مماثل. یعنی این آیه ناظر به وجوب ستر عورت است نه ناظر به وجوب تحفظ بر فرج از مسائل جنسی.



## جواب اشکال اول

به نظر ما این اشکال تمام نیست و آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» به خودی خود دلالت بر آنچه در روایت ابی بصیر آمده است ندارد و بعید است این روایت دلالتی بر اختصاص آیه به حفظ فرج از نگاه و نظر داشته باشد؛ چون قدر متیقن روایت این است که هر آنچه در قرآن از حفظ فرج آمده است فقط مربوط به زنا است و مراد آن آیات، دید و نظر نیست مگر این آیه که ناظر به نظر و نگاه کردن به فرج است. یعنی آنچه آیات دیگر حفظ فرج بر آن دلالت ندارند، این آیه بر آن دلالت دارد. اما اینکه مراد این آیه فقط نظر و نگاه کردن است، این مبنی بر مفهوم لقب است.

عبارت روایت ابی بصیر به این صورت بود «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّانَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ» و استثنا در این روایت اقتضا می کند آنچه که در آیات دیگر بود در این آیه نیست و در آیات دیگر فقط ممنوعیت جنسی است و این آیه این مطلب را نمی خواهد بگوید. حال آیه اصلا این مطلب را نمی خواهد بگوید؟ یا اینکه این آیه نمی خواهد فقط اعمال جنسی را بگوید بلکه به همراه آن ناظر به نگاه و نظر کردن هم هست؟

ما نمی خواهیم به این روایت استدلال کنیم که این آیه ستر عورت را هم می گوید یعنی نمی خواهیم بگوییم روایت دلالت دارد که آیه هم حرمت زنا را می گوید و هم وجوب حفظ ستر را، بلکه غرض ما این است که روایت ابی بصیر می گوید مراد آیه ستر از دید و نظر می باشد چه فقط بر این دلالت کند و چه در کنار این بر حرمت زنا هم دلالت داشته باشد، به هر حال دلالت دارد بر این که این آیه ناظر به دید و نگاه کردن است. اما این روایت تعرضی ندارد نسبت به اینکه در کنار وجوب حفظ ستر، آیه دلالت بر حرمت زنا دارد یا نه.

همین اندازه که این روایت برای دلالت آیه بر حرمت زنا، مزاحمت ایجاد نکند کافی است. ما نمی خواهیم به روایت ابی بصیر استدلال کنیم که مراد آیه اعم از نظر و نگاه است و شامل زنا هم می شود، تا گفته شود این روایت اجمال دارد؛ چون این روایت، احتمال این معنا در آن وجود دارد که دلالت آیه را حصر در نظر و نگاه کند. اینکه چنین احتمالی در روایت باشد که معنای آیه را حصر کند، صرف یک احتمال برای ما مشکلی ایجاد نمی کند.

به نظر ما از روایت ابی بصیر این مطلب استفاده نمی شود که معنای آیه را حصر در ستر عورت کند. عرض کردیم که «فَائِنَهَا مِنَ النَّظَرِ» نهایتاً مفهوم لقب است. اگر گفته «هذه الآية تدل على حرمة النظر» آیا مفهوم آن این است که بر حرمت زنا دلالتی ندارد؟!

آنچه که این وهم را ایجاد کرده است دلالت صدر روایت بر حصر است «كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّانَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ»، مفاد صدر روایت حصر است یعنی سایر آیات حفظ فرج فقط مربوط به زنا هستند، همین باعث شده که توهم شود ذیل روایت که می فرماید «إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ»، این هم دلالت بر حصر داشته باشد یعنی این آیه هم فقط دلالت بر نظر و نگاه کردن دارد، در حالی که ذیل روایت دلالت بر حصر آیه در نظر و نگاه ندارد و اینطور نیست که اگر صدر روایت دلالت بر حصر داشته باشد ذیل روایت هم دلالت بر حصر داشته باشد.

قاطع شرکت است در آنچه که در صدر روایت آمده است یعنی سایر آیات منحصرنا ناظر به نظر نمی باشند و مختص به زنا



هستند اما این آیه در اینکه آنها مختص به زنا هستند، در این ویژگی با آنها مشترک نیست، اما روایت دلالتی ندارد که این آیه هیچ دلالتی بر حرمت زنا ندارد.

روایت ابی بصیر می گوید سایر آیات حفظ فرج دو دلالت دارند ۱. حرمت زنا ۲. عدم تعرض به نگاه و نظر، اما آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» با سایر آیات در این دو حکم مشترک نیست یعنی هم دلالت بر حرمت زنا داشته باشد و هم متعرض نگاه و نظر نشده باشد، حالا که این آیه مثل سایر آیات نیست آیا دلالتی بر حرمت زنا ندارد؟ به نظر ما حداقل اینجا اجمال وجود دارد هر چند ما اجمال را هم قبول نداریم ولی از این جهت که روایت بخواهد دلالت بر این داشته باشد که این آیه دلالت بر حرمت زنا ندارد، حداقل می گوییم در اینجا اجمال وجود دارد. مفاد این روایت این است که سایر آیات حفظ فرج از ناحیه نظر قاصر هستند ولی این آیه ناظر به حفظ فرج از نظر هست. یعنی سایر آیات نسبت به نظر ساکت هستند و منحصر در حرمت زنا هستند و نظر، مشمول دلالت آن آیات نیست، اما این آیه دلالت بر ممنوعیت نظر دارد.

صدر روایت دلالت بر حصر دارد یعنی سایر آیات دلالت بر حرمت نظر ندارند و فقط حکم زنا را می گویند و ذیل روایت می گوید حکم نظر را باید از این آیه استفاده کرد. از این روایت استفاده نمی شود که این آیه فقط حکم نظر را می گوید و متعرض زنا نیست.

ما نمی خواهیم با این روایت شمول آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» را استفاده کنیم و بگوییم هم شامل زنا می شود و هم شامل نظر، فقط این روایت می توانست مانع باشد از اینکه این آیه شامل زنا بشود و ما این مانعیت را رفع کردیم.

ما نمی گوییم این روایت مفهوم ندارد، بلکه مفهوم دارد اما مفهوم آن نفی منطوق صدر روایت است. مفاد منطوق این است که سایر آیات فقط دلالت بر حرمت زنا دارند و دلالتی بر حرمت نظر ندارند.

### دلالت ذاتی آیه بر حفظ فرج از امور مناسب با آن از جمله زنا

به نظر ما روایت ابی بصیر هیچگونه دلالتی بر عدم دلالت آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» بر حفظ فرج از فواحش ندارد. نهایت این است که این آیه یک قرینه داخلیه دارد و آن اینکه صدر آن مربوط به غضّ نظر است و بعد از آن امر به حفظ فرج کرده است و چون صدر آن مربوط به غضّ نظر است همین قرینه می شود که مراد از حفظ فرج، معنای عامی است که شامل می شود حفظ فرج از آنچه که مناسب نظر است. اما دلالت ذاتی آیه را نباید خراب کرد دلالت ذاتی آیه، حفظ فرج از «ما یناسب» است و وجهی ندارد گفته شود که حفظ فرج فقط از نظر نظر و نگاه است که در صدر آیه ذکر شده است.

### نبودن نظر و نگاه از امور مناسب فرج

آنچه که مناسب با فرج است اصلاً نظر نیست بلکه آنچه که مناسب با فرج است یا امور جنسی است یا بحث استیلا است و الا اگر بگویند «دست خود را حفظ کنید» آیا به این معناست که دست خود را از دید دیگران حفظ کنید؟



اینکه گفته شود در بحث فرج، داعی بر دیدن وجود دارد پس دیدن جزء مناسبات آن است، می‌گوییم داعی بر دیدن فرج، از جای دیگر ارتکاز بر حساسیت آن وجود دارد و همین ممکن است موجب شود که نظر و نگاه هم از مناسبات فرج باشد اما اینگونه نیست که خصوص نظر و نگاه، مناسب فرج باشد.

اگر بنا باشد که نظر و نگاه جزء مناسبات نباشد، قرینیت صدر اقتضا می‌کند که تحفظ بر فرج شامل نظر و نگاه می‌شود. شاهد آن این است که دیگر آیات حفظ فرج، شامل نظر و نگاه نمی‌شوند پس معلوم می‌شود که نظر جزء مناسبات فرج نیست؛ چون اگر نظر جزء مناسبات فرج بود اطلاق دیگر آیات حفظ فرج، شامل نظر و نگاه هم می‌شد. حرف ما این است که نظر و نگاه، جزء مناسبات حفظ فرج نیست که اطلاق شامل آن شود تا چه رسد به اینکه آیه اختصاص به آن داشته باشد. در آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» به جهت قرینه داخلی، حفظ فرج شامل نظر و نگاه می‌شود اما نه اینکه بگوییم آیه شامل مناسبات اصلی حفظ فرج (زنا) نمی‌شود.

### وجود فرق بین تعبیر «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» با تعبیر «يَغْضُضْنَ فُرُوجَهُنَّ»

قبل از اینکه برخی اشکالات دیگر دلیل اول را بیان کنیم نکته ای درباره آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» و «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» بیان می‌کنیم. معمولاً آقایان این دو آیه را دلیل بر حرمت نظر قرار می‌دهند و ما هم به این دو آیه برای حرمت نظر مرد به زن و نظر زن به مرد، استدلال کردیم و گفته می‌شود اطلاق آیه اقتضا می‌کند ممنوعیت نظر به وجه و کفین را مانند سایر اعضای بدن، و همچنین زن هم نباید به مرد نگاه کند مگر آن مقداری که به واسطه سیره استثنا شده است یعنی سر و گردن و دست‌ها تا آرنج.

حتماً بر مردها پوشاندن سر و گردن واجب نیست اما این مطلب منافات ندارد که بر زن‌ها پوشاندن سر و گردن واجب باشد چون در مورد مردها سیره بر عدم ستر وجود دارد و این آیه می‌گوید زن‌ها نگاه نکنند نهایت آن این است که زن‌ها به سر و گردن مردها نگاه نکنند اما لازمه آن این نیست که مردها باید سر و گردن خود را بپوشانند. مردها هم نباید به زن‌ها نگاه کنند و ممکن است بگوییم بر زن‌ها ستر وجه و کفین لازم نباشد اما بر مردها نظر به وجه و کفین جایز نیست. کما اینکه لازم نیست مردها سر و گردن را بپوشانند اما معنای آن این نیست که زن‌ها در نگاه کردن آن مجاز هستند.

به نظر ما مفاد این آیه این نیست که نگاه نکنند بلکه مفاد این آیه این است که دقیق و تیز نگاه نکنند. آیه می‌فرماید «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» و نفرموده است «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» یعنی چشم‌هایشان را ببندند. فرق است بین تعبیر «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» با تعبیر «يَغْضُضْنَ فُرُوجَهُنَّ» و همچنین فرق است بین «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» و «يَغْضُضْنَ فُرُوجَهُنَّ». «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» به این معناست که به مقدار کمی چشم خود را فرو ببندند یعنی بخشی از دید خود را فرو ببندند، معنای آن این است که دید خود را به کلی نبندند. یعنی نگاه متمرکز و تیز نداشته باشند (این غیر از نگاه شهوت‌آمیز است چراکه نگاه شهوت‌آمیز عنوان جدایی دارد). ظهور کلمه «مِنْ» در تبعیض است یعنی برخی از دید را ببندند.

به نظر ما مفاد این آیه این است که نظر دقیق و متمرکز جایز نیست اما نگاه به اصطلاح درویشی (نظر به صورت عادی نه نظر دقیق) به وجه و کفین اشکالی ندارد.

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۹  
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

درس: فقه پزشکی  
موضوع: اهدای جنین  
استاد: محمد قائنی حفظه الله

و الحمد لله رب العالمين